



# غزوات سلطان سلیم

(گزارش اسیر ایرانی جنگ چالدران از فتح مصر و شام  
به دست سلطان سلیم اول عثمانی)

تألیف

قاضی زاده اردبیلی  
(درگذشته ۹۳۰ ه. ق.)

تصحیح و تحقیق

طاہر بابائی



- 
- 
- سرشناسه : قاضی‌زاده اردبیلی، ظهیرالدین، - ۹۳۰ق.
- عنوان و نام پدیدآور : غزوات سلطان سلیم: (گزارش اسیر ایرانی جنگ چالدران از فتح مصر و شام به دست سلطان سلیم اول عثمانی) / تألیف قاضی‌زاده اردبیلی (درگذشته ۹۳۰هـ.ق)؛ تصحیح و تحقیق طاهر بابائی؛ ویراستار مرتضی موسوی؛ ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی مصطفی امیری.
- مشخصات نشر : تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری : چهل و دو، ۴۰۱، ۷ ص: نمونه.
- فروست : میراث مکتوب؛ ۳۶۵. تاریخ و جغرافیا؛ ۵۲
- شابک : 978-600-203-236-2
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
- یادداشت : کتاب‌نامه: ص ۳۹۵-۴۰۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
- یادداشت : نمایه.
- عنوان دیگر : گزارش اسیر ایرانی جنگ چالدران از فتح مصر و شام به دست سلطان سلیم اول عثمانی.
- موضوع : سلیم اول، سلطان عثمانی، ۸۷۲-۹۳۶ ق. - جنگ‌ها
- شناسه افزوده : بابائی، طاهر، ۱۳۶۵ - ، مصحح
- شناسه افزوده : امیری، مصطفی [مترجم]
- رده‌بندی کنگره : DR ۵۰۷
- رده‌بندی دیویی : ۹۵۶/۱۰۱۵
- شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۴۳۶۷۰
- وضعیت رکود : فیبا
- 
-

# غزوات سلطان سلیم

(گزارش اسیر ایرانی جنگ چالدران از فتح مصر و شام  
به دست سلطان سلیم اول عثمانی)

تألیف

قاضی زاده اردبیلی  
(درگذشته ۹۳۰ ه. ق)

تصحیح و تحقیق

طاهر بابائی



## غزوات سلطان سلیم

(گزارش اسیر ایرانی جنگ چالدران از فتح مصر و شام

به دست سلطان سلیم اول عثمانی)

تألیف: قاضی زاده اردبیلی (درگذشته ۹۳۰ ه. ق.)

تصحیح و تحقیق: طاهر بابائی

مدیر تولید: محمد باهر

ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی: مصطفی امیری

ناشر: میراث مکتوب

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

ویراستار: مرتضی موسوی

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها با جلد شومیز: ۸۹۰۰۰ تومان

بها با جلد سخت: ۱۱۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۳-۲۳۶-۲

چاپ (دیجیتال): میراث

شماره فروش:

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است  
نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: toolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

بسم الله الرحمن الرحيم

دریابی از فرهنگ پرمایه اسلام و ایران در نسخ های خطی موج می زند. این نسخه ها در حقیقت، کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ و هویت نامه ما ایرانیان است. بر عهده ذہن نشلی است که این میراث پراج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اہتمام ورزد.

باجہ کوششیانی کہ در سالہای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تبیع در آنها انجام گرفته و صد کتاب و رسالہ ارزشمند انتشار یافته هنوز کار نکردہ بسیار است و ہزاران کتاب و رسالہ خطی موجود در کتابخانہ های داخل و خارج کشور شناساندہ و منتشر شدہ است. بسیاری از متون نیز، اگرچہ بار بار طبع رسیدہ، منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد.

احیاء و نشر کتاب و رسالہ های خطی وظیفہ ای است بر دوش محققان و مؤسسات فرہنگی. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این ہدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد و نهادہ شد تا با حمایت از کوشش های محققان و مصححان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرہنگی و علاقمندان بہ دانش و فرهنگ، سہمی در نشر میراث مکتوب داشتہ باشد و مجموعہ ای از رزمندہ از متون و منابع تحقیق بہ جامعہ فرہنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

اکسپیرانی

مدیر عامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب



## فهرست مطالب

|                                                                        |            |
|------------------------------------------------------------------------|------------|
| پیشکش.....                                                             | سیزده      |
| پیشگفتار.....                                                          | پانزده     |
| مقدمه مصحح.....                                                        | نوزده      |
| ۱-۱. وضع سیاسی و مذهبی دوره سلیم یاووز و نگارش سلیم‌نامه‌ها.....       | نوزده      |
| ۲-۱. نگاهی به وضع تاریخ‌نویسی عثمانی مقارن نگارش غزوات سلطان سلیم..... | بیست و یک  |
| ۳-۱. قاضی‌زاده اردبیلی.....                                            | بیست و پنج |
| ۴-۱. کتاب غزوات سلطان سلیم.....                                        | سی و یک    |
| ۵-۱. تشیع و ایران در نگاه قاضی‌زاده اردبیلی.....                       | سی و سه    |
| ۶-۱. کار بر روی نسخه.....                                              | سی و پنج   |
| ۷-۱. شیوه تصحیح.....                                                   | سی و هفت   |

## غزوات سلطان سلیم

(۱-۳۷۰)

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |    |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----|
| آغاز کتاب.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          | ۳  |
| گفتار در توجه رایات اقبال‌غایات همایون در سابع شهر ربیع‌الاول سنه ۹۲۲ موافق از دارالنصر ادرنه به قصد تسخیر ملک اکاسره و دفع ظلیمة‌والی مظالم اعاجمه و انقلاب آن به توجه جانب دیار عرب در اثنای طریق بنا بر هبوط سلطان عدیم‌التوفیق از سریر یوسف صدیق و غروب آفتاب دولتش به مغرب شام نکبت و تحلیل ترکیب مناظم سلطنتش به حلول حلب در عین زحمت و مشقت..... | ۱۱ |

- گفتار در توجه رکایب میمنت مآرب حضرت اعلای کشورگشای از دارالنصر ادرنه به پایه سریر دارالسلطنه قسطنطنیه..... ۱۹
- ذکر فرستادن ایلچی از درگاه سلاطین پناه نزد ملک غوری به مصر..... ۲۲
- گفتار در فرستادن هژبر میدان شجاعت و کارزار سنان پاشای سپهسالار به رسم طلیعه سنیه از پایه سریر قسطنطنیه به کنار آب فرات جهت تسخیر ممالک ایران از آذربایجان و عراق و هرات..... ۲۵
- صورت فتح البستان و مرعاش علی سیل الاجمال..... ۲۸
- گفتار در عبور نمودن بحر زخار سلطنت و کامکاری، درّ دریای خلافت و جهانداری، یعنی قیصر اول و اسکندر ثانی از خلیج مجمع البحرین دارالسلطنه قسطنطنیه که در سوابق از منه و ذول به اهتمام اسکندر اول صورت امتراج و امتراج پذیرفته..... ۳۱
- ذکر رسیدن امنای حرمین شریفین به اردوی فلک پوی..... ۴۲
- گفتار در رسیدن قضات عظام و علمای اعلام و مدرسین کرام و اعیان بورسای ذوی الاحترام به درگاه عالمپناه در ینکی شهر..... ۴۵
- ذکر توجه رایات دولت انتباهیه به جانب کوتاهیه..... ۴۶
- گفتار در وصول رایات فتح آیات به کعبه وصل ارباب هدایات، اعنی مدینه قونیه که مضجع و مشوای آن دو مظهر اسرار حقایق الهی حضرت شیخ صدرالدین محمد قونوی و مولانا جلال الدین محمد رومی است - قدس الله سرهما العزیز - و استفاضه و استمداد از روحانیت این دو سلطان معنوی و رسیدن خبر فتح دیار بیک در این منزل هنی..... ۵۳
- ذکر فتح دیار بیک و قتل قراخان..... ۵۹
- گفتار در انتهاض موکب حضرت اعلای قدسیه از منزل قرق پنکار به محروسه مأنوسه قیصریه سنیه..... ۶۳
- گفتار در رسیدن ایلچی ملک غوری از جانب حلب به تمهید مبادی صلح میانه خدیو علی الاطلاق و والی عراق..... ۷۳
- صورت کتابی که به ملک غوری نوشته شده..... ۷۷
- گفتار در رسیدن امرای کبار و عساکر ذوی الاقتدار از جانب دیار بیک و استلحاق به رایات اقبال غایات در کنار آب فرات..... ۸۱
- گفتار در توجه رایات نصرت آیات به جانب عنتاب..... ۹۱
- گفتار در توجه رایات دولت فایق به مرج دابق به محاربه ملک غوری، به تاریخ یوم الاحد ۲۵ شهر رجب المرجب سنه ۹۲۵..... ۱۰۱
- گفتار در توجه رایات فیروزکام به تصرف حلب و شام..... ۱۲۳
- گفتار در توجه رایات فتح غایات نصرت آیات به جانب دیار شام به تاریخ ۱۷ شعبان سنه ۹۲۲..... ۱۳۱

|                                                                                                                                                                                                                                                                    |     |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| گفتار در فرستادن حضرت یونس پاشای وزیر و خیربیک و دفتردار آناتولی محمد چلبی را جهت ضبط شهر دمشق و استخلاص قلعه از مستحفظان و استیفای مال غایبی و صونک ممن کان عنده بآی طریق کان.....                                                                                | ۱۳۹ |
| ذکر دمشق و تعداد اوصاف آن.....                                                                                                                                                                                                                                     | ۱۴۴ |
| گفتار در انتقال حضرت اعلای کشورگشای از قصر مصطفی شرقی به اندرون شهر، جهت اقامت چندروزه و تدبیر تسخیر قاهره مصر که بنفسه الشریف وحده، بر آن مُصیر و مکب بود.....                                                                                                    | ۱۵۱ |
| گفتار در فرستادن رسول به جانب قاهره مصر و دعوت طومان‌بای و بقیه سپاه به اطاعت و حضور [در] درگاه سلاطین پناه.....                                                                                                                                                   | ۱۵۷ |
| گفتار در توجه پلنگ اسد مقدم و هژبر نهنگ انتقام، لیث معركة وغا و انصرام سپهسالار ذوی الاحترام، سنان پاشا به رسم طلیعه به جانب غزه محروسه و آن امکنه و مقام.....                                                                                                     | ۱۶۷ |
| گفتار در نهضت ظفر فرصت حضرت اعلای کشورگشای به قصد تسخیر قاهره مصر از دیار شام و تحریک اعنه دولت به استقصا و استقصای آن دیار از تسلط و تحکم اعدای نافر جام.....                                                                                                     | ۱۷۷ |
| گفتار در وصول و قدوم مواکب ظفر موسوم به قصبه رمله و استشراف به زیارت مسجد اقصی و حضرت صخره، یوم الاثنین خامس ذی الحجة الحرام.....                                                                                                                                  | ۱۸۳ |
| ذکر توجه رایات آفتاب‌غایات از رمله به جانب غزه.....                                                                                                                                                                                                                | ۱۸۹ |
| گفتار در توجه نهضت موکب همایون به طالع سعد و میمون به تسخیر دیار مصریه.....                                                                                                                                                                                        | ۱۹۷ |
| ذکر سبب قتل حسام پاشا وزیر ثالث.....                                                                                                                                                                                                                               | ۱۹۹ |
| گفتار در توجه موکب همایون به طالع میمون به جانب ریدانیه متوکلاً بعناية السبحانية.....                                                                                                                                                                              | ۲۰۷ |
| گفتار در نهضت حضرت اعلای کشورستانی در نهایت اقبال و کامرانی به آهنگ جنگ سلطانی.....                                                                                                                                                                                | ۲۱۹ |
| گفتار در فرستادن یونس پاشا وزیر اعظم و دفتردار آناتولی به اندرون شهر مصر جهت ضبط صونک مخالفان و حقوق مقطوعه دیوان.....                                                                                                                                             | ۲۳۳ |
| گفتار در کوچ کردن نواب همایون به طالع میمون فی یوم الاثنین رابع محرم الحرام سنة ثلاث و عشرين و تسعمائه از میدان ریدانیه به جزیره و سطنانیه بولاق که بر غربی مصر بر کنار رود نیل واقع است و رسیدن شیخون طومان‌بای در همین منزل فی لیلة اربعاء سادس منه.....         | ۲۳۷ |
| گفتار در سوار شدن حضرت اعلای کامکار به جنگ طومان‌بای سریع الفرار.....                                                                                                                                                                                              | ۲۴۳ |
| ذکر امر عالی به کتابت فتح‌نامه و ارسال آن به دیار و امصار عالی و رسیدن تضرع غزالی.....                                                                                                                                                                             | ۲۴۹ |
| گفتار در انتقال آفتاب کشور شاهی و سایه رأفت و رحمت الهی از جزیره و سطنانیه بولاق به تأیید مواهب علی الاطلاق به قصر و رواق صدیقی که در اوج معارج و ذروه مدارج قلعه مصر موضوع و مصنوع است، به تاریخ یوم الاحد ثالث عشرين محرم الحرام سنة ثلاث و عشرين و تسعمائه..... | ۲۵۳ |

- گفتار در انتقال رکاب اقبال علی رسم الاستعجال از قلعه مصر عظیم المثل به بركة الحبش به قصد انتقام و استیصال طومان بای و بقیه چراکسه پریشان حال به تاریخ بیست و یکم شهر صفر سنه ثلاث و عشرين و تسعمانه ..... ۲۶۱
- گفتار در ارتحال مواکب اقبال از روی مسرت و اجلال از یورت ام الدینار به قریه اثبانه که بر کنار رود نیل مقابل بولاق واقع است و امضای امر عالی به صلب ملک طومان بای ..... ۲۷۱
- ذکر زمان دولت چراکسه من البدایة الى النهاية ..... ۲۷۵
- گفتار در توجه عنان نصرت عنان بر سبیل تنزه و تفرج از راه دریا به نظاره ثغر اسکندریه ..... ۲۷۹
- گفتار به نظر آوردن نواب همایون کشتیا [ی] دارالسلطنة قسطنطنیه بمن فیها من العساكر المنصوره فی ثغر الاسکندریه و فرستادن سنگ سماق و رخام به روم سعادت فرجام ..... ۲۸۵
- ذکر گنبد هرمان و انعطاف عنان قهرمان زمان به صوب رؤیت و تماشای آن ..... ۲۸۹
- گفتار در تفویض نیابت سلطنت و جهان آرایبی قاهره مصر به حضرت ملک الامرای خیربیک ..... ۲۹۱
- ذکر فرستادن بعض اعیان و متعینان ارکان قاهره مصر به دارالنصر قسطنطنیه روم به رسم سورگون .. ۲۹۶
- گفتار در تصمیم نیت خیرانیت نواب حضرت اعلای کشورگشای به تکمیل ارکان اسلام و استشراف به زیارت بیت الله الحرام و تأخیر آن بنا بر استدعای و التماس علمای اسلام ..... ۲۹۹
- گفتار در انصراف عنان سعدقران فرخنده عنان و رجعت رکاب استقامت مرام از پایه سریر قاهره مصر به جانب شام ..... ۳۰۵
- ذکر سبب قتل یونس پاشای وزیر اعظم ..... ۳۰۷
- گفتار در توجه رکاب دولت ایاب به جانب صالحیه و غزه ..... ۳۱۱
- گفتار در وصول بارقه صبح دولت فرجام به محروسه دمشق شام ..... ۳۱۷
- ذکر عمارت خیری که نواب حضرت اعلی از احلّ وجوهات خاصه شریفه بر سر مزار فیض گذار العارف بالله الذایب فی الله الواصل الى الله الشیخ محی الحق و الدین العربی الطایب الاندلسی - تقبل الله منه - انشا فرموده، به تاریخ دوم شهر مبارک شوال سنه ثلاث و عشرين و تسعمانه . ۳۲۱
- تلمیح به تمجل [و] تعفن هوا و عروض حمی به بعضی امزجه ارباب دولت و علا و انتقال کلام به ارتحال حضرت مرحومی شهیدی حلیمی چلبی ..... ۳۲۶
- گفتار در رسیدن پیری پاشا وزیر اعظم به خطه شام و اظهار بعضی مآثر کمالات او به تقریب این مقام ..... ۳۳۱
- ذکر تفویض صدارت عرب و عجم به حضرت شاه چلبی فناری زاده ..... ۳۳۴
- گفتار در انتقال موکب اجلال از قشلاق شام به جانب حلب فرخنده انجام ..... ۳۳۷
- گفتار در کوچ فرمودن حضرت اعلی از منزل قابون به مصطفی شام و رسیدن قاصد و ایلچی والی اعجام در این اثناء و ایام ..... ۳۴۳

|                                                                                              |     |
|----------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| گفتار در ارتحال موکب مبارک از مصطفیٰ شام به جانب حمی.....                                    | ۳۴۹ |
| ذکر شکار عمیق ایللی و حوالی انطاکیه.....                                                     | ۳۵۴ |
| گفتار در گرفتاری ابن حنش و حرفوش به سینات اعمال خودشان.....                                  | ۳۵۹ |
| گفتار در توجه انعطاف زمام مرام به داعیه کشورگشایی عجم به مرج دابق اولاً و دیاربکر آخراً..... | ۳۶۵ |
| نمایه اعلام، اماکن، اصطلاحات و مناصب.....                                                    | ۳۷۱ |
| فرهنگ اصطلاحات و تعابیر.....                                                                 | ۳۸۹ |
| منابع مقدمه.....                                                                             | ۳۹۵ |
| منابع تصحیح.....                                                                             | ۳۹۷ |



## پیشکش

پیشکش به دیوان سالار عثمانی برآمده از ایران، حاجی سلیم آغا، که اصل کتاب غزوات سلطان سلیم در کتابخانه او نگهداری می‌شود و از آن طریق به دست ما رسیده است.

حاجی سلیم آغا از شخصیت‌های بانفوذی بود که در دوره عبدالحمید اول (حک: ۱۱۸۷-۱۲۰۳ ق) و آغاز حکومت سلیم سوم (۱۲۰۳-۱۲۲۲ ق) در برخی از رویدادها نقش آفرینی کرد. او غلام ایرانی مصطفی افندی رئیس‌الکتاب بود که پس از آزادی، به خدمات دولتی وارد شد و با نشان دادن لیاقت و توانمندی، باش باقی‌قولی (از مسئولان تشکیلات مالی)، دفتردار خوتین (مسئول امور دفتری و دیوانی سنجاق یا استانی در بخش اروپایی عثمانی) (۱۱۸۲ ق) و قاپوچی‌باشی (سرکرده دربار عثمانی) (۱۱۸۷ ق) شد. پس از جلوس عبدالحمید اول، ستاره اقبال او درخشیدن گرفت و در حالی که امین ضرب‌خانه (از مسئولان مالی دارالضرب) بود، مطبخ‌امینی (از مسئولان مالی آشپزخانه دربار)، بناامینی (از مسئولان مالی بخش ساخت‌وساز) و ترسانه‌امینی (از مسئولان مالی بخش نیروی دریایی) (۱۲۰۱ ق) را نیز بر عهده گرفت؛ اما پس از تخت‌نشینی سلطان سلیم سوم وضعیتش نابسامان شد. او در هنگامی که سلیم سوم به بازدید از ترسانه پرداخته بود، در محل مأموریتش حاضر نبود؛ از این رو، به سبب اهمال در وظایف نیروی دریایی و عدم انجام فرمانها به اعدام محکوم، و در سال ۱۲۰۳ ق پس از اعدام، در باغچه مکتب صبیان که خود بنا نهاده بود، به خاک سپرده شد.

حاجی سلیم آغا در زمانی که امین مطبخ عامره عثمانی بود، در اسکدار (بخش آسیایی

استانبول)، مکتبی برای آموزش کودکان ساخت که دارای کتابخانه بود. کتیبه آن، سال ساخت مجموعه را ۱۱۹۶ ق و وقفنامه آن، تنظیم وقفنامه را محرم سال ۱۱۹۷ نشان می‌دهد. این کتابخانه کوچک که تا امروز به جای مانده، مشغول خدمات‌رسانی به کتاب‌خوانان است و دارای مخزنی است که نسخ ارزشمندی در آن نگهداری می‌شود. در سال ۱۲۲۱ ق محمدامین افندی پسر حاجی سلیم آغا برای گسترش کار کتابخانه، موقوفات دیگری بدین مجموعه افزود. به مرور زمان با الحاق کتابخانه‌های دیگری نظیر کتابخانه امیر خواجه، نوربانو سلطان، یعقوب آغا باب‌السعادة آغاسی و عزیز محمود هدایی، این کتابخانه تقویت شد. امروزه بیش از ۲۸۰۰ نسخه خطی و بیش از ۱۵۰۰ عنوان کتاب چاپی در این کتابخانه نگهداری می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. برگرفته از تارنمای ریاست بنیاد نسخ خطی ترکیه، بخش کتابخانه حاجی سلیم آغا، به نشانی:

<http://www.haciselimaga.yek.gov.tr/#/>; İsmail E. Erünsal, *DİA*, vol.14, p.498, s.v. "Hacı Selim ağa Kütüphanesi".

## پیشگفتار

در باره فرهنگ، زبان و ادب فارسی در عصر سلاجقه روم و حکومت عثمانی کم و بیش پژوهش‌هایی انجام گرفته است. همچنین برخی متون و منابع مربوط به تاریخ و فرهنگ ایران در قلمرو ترکان آناتولی انتشار یافته است. آنچه که تاکنون انجام گرفته، گرچه برای شناخت گستره حضور و نفوذ فرهنگ ایرانی در سرزمین‌های زیر سلطه ترکان سلجوقی و عثمانی بسیار راهگشا بوده، اما هنوز راهی طولانی در پیش است. در گذشته، نسلی از محققان بزرگ در ایران و ترکیه، به این حوزه پرداختند و آثار فاخری پدید آوردند. خوشبختانه راهی را که آنها گشودند، در هر دو کشور رهروان خوبی یافت. امروزه، پژوهشگران جوان در ایران و ترکیه عزم خود را جزم کرده، و با پژوهش‌های درخور تحسین، آثار ارزشمندی منتشر می‌کنند. به جز پژوهش‌ها، برخی متون و منابع دست‌اول نیز در هر دو کشور تصحیح و انتشار می‌یابد. از آنجا که انتشار منابع و مدارک اصیل، زمینه انجام پژوهش‌های جدید را هموارتر می‌کند، می‌بایست بیشتر مورد توجه قرار گیرد. در اصل، شمار زیادی از منابع و متون عثمانی، دارای ارتباط تنگاتنگ با تاریخ و فرهنگ ایران است؛ از جمله متونی که به زبان فارسی‌اند و یا نویسندگان آنها ایرانی بوده، و به فارسی یا ترکی نوشته‌اند. برای نمونه، غزوات سلطان سلیم اثری است به فارسی که از سوی نویسنده‌ای ایرانی به رشته تحریر درآمده است. این اثر که توسط دوست فاضل، جناب دکتر بابائی تصحیح شده است، نمونه بارزی از متون مرتبط با تاریخ و فرهنگ ایرانی است که در قلمرو عثمانی پدید آمده است. با این اثر، برای نخستین بار با یکی از عالمان و نویسندگان ایرانی که بعد از جنگ چالدران از

تبریز به اسلامبول تبعید شد، آشنا می‌شویم. می‌دانیم که بیش از هزار نفر از فرهیختگان ایرانی توسط سلطان سلیم به‌اجبار به اسلامبول تبعید شدند. بیشتر آنها به دلیل علم، هنر و فرهیختگی در پایتخت و دربار عثمانی ارج و قرب یافتند و به جاه و مقام رسیدند. نویسنده متن حاضر، یعنی قاضی‌زاده اردبیلی، یکی از آنها بود که در دربار سلطان سلیم جایگاه خاصی یافت، تا جایی که در سفرهای نظامی در رکاب سلطان بود و به همین دلیل توانست مشاهدات خود از لشکرکشی سلطان سلیم به مصر را در اثر حاضر تدوین کند.

دکتر بابایی علاوه بر تصحیح اثر قاضی‌زاده اردبیلی، درباره نویسنده و متن نیز تحقیق جامعی انجام داده و در مقدمه کتاب و نیز در مقاله‌ای مستقل منتشر کرده است.<sup>۱</sup> از مطالعه متن حاضر می‌توان به عمق علاقه و وابستگی نویسنده به اصالت و هویت خود پی برد. او با وجود دوری از ایران و خدمت به دربار سلطانی به‌شدت ضدشیعی و ایران‌ستیز، با هنرمندی تام و تمام دل‌بستگی خود را به ایران و مذهب تشیع حفظ کرده است. ایران‌گرایی و شیعی‌گرایی قاضی‌زاده اردبیلی به عنوان مورخ رکاب سلطان سلیمی که در سفر نظامی چالدران بیش از چهل هزار نفر از علویان آناتولی را قتل عام کرد، به نظر پارادوکس می‌آید، اما باید دانست قاضی‌زاده اردبیلی در عین حال که در رکاب سلطان عثمانی بود، دل در گرو ایران داشت. در اثر او به خوبی می‌توان ردّ پای افکار ایرانی و شیعی را دید. ای‌بسا، به سبب همین گرایش‌ها بود که سرانجام به اتهام ارتباط با صفویان در ۹۳۰ ق، در مصر اعدام شد.

مصحح محترم با وجود دشواری‌های بسیار متن، تلاش زیادی برای تصحیح انتقادی آن به کار بسته و کوشیده است تا متنی منقّح پدید آورد. متن حاضر که در یکی از مهم‌ترین دوره‌های دشمنی حکومت عثمانی با ایران به رشته تحریر درآمده است، برای ما در ایران دارای اهمیت فراوانی است؛ زیرا با یک متن تاریخی که در دربار عثمانی به زبان فارسی نوشته شده آشنا می‌شویم، و نیز از زندگی و افکار یکی از ایرانیان تبعیدی جنگ چالدران که تاکنون ناشناخته بود، آگاهی می‌یابیم. علاوه بر اینها، سطر سطر کتاب نیز دارای اطلاعات

۱. «ایران دوستی و شیعه‌گرایی قاضی‌زاده اردبیلی در تاریخنگاری عصر سلطان سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶ ق)»،

پژوهشنامه تاریخ و تمدن اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، س ۵۲، ش ۲، ص ۲۰۳-۲۲۱.

ارزشمندی است که به کار پژوهشگران حوزه‌های مختلف می‌آید. به مصحح محترم برای به سرانجام رساندن کار دشوار تصحیح این متن باید تبریک گفت و انتشار چنین آثاری را برای تاریخ و فرهنگ ایران زمین مغتنم شمرد.

نصرالله صالحی

۱۳۹۹/۰۳/۰۴



## مقدمه مصحح

### ۱-۱. وضع سیاسی و مذهبی دوره سلیم یاووز و نگارش سلیم نامه‌ها

سلطان سلیم اول (حک: ۹۱۸-۹۲۶ ق) در دوره کوتاه حکومت خود، به سبب تحرکات نظامی پیروزمندانه‌ای نظیر پیروزی در نبرد چالدران، پیروزی بر ممالیک مصر و برچیدن حکومت آنان، و نیز چیرگی بر ملوک ذوالقدر، در زمره قدرتمندترین سلاطین آل عثمان قرار دارد و بخش زیادی از گستردگی قلمرو عثمانیان و اقتدار آنان به سبب اقدامات این سلطان بوده است. اما سلیم یاووز با وجود قدرت‌نمایی و لشکرکشی‌های پیروزمندانه خارجی، با بحران مشروعیتی مواجه بود که تقریباً تمام اقدامات داخلی و خارجی او را تحت تأثیر قرار می‌داد و این تأثیرگذاری چندان بود که سلیمان قانونی، جانشین او، نیز با چالش بزرگی در مشروعیت حکومت مواجه شد. بحران مشروعیت حکومت سلیم اول به اقدامات او در کسب تاج و تخت بازمی‌گردد. سلطان سلیم یاووز در اواخر حکومت بایزید دوم (حک: ۸۸۶-۹۱۸ ق)، بر سر مسائل جانشینی، عصیان ورزید، و به‌رغم اراده سلطان عثمانی مبنی بر جانشینی فرزند ارشدش (احمد)، با پدر از سر ناسازگاری در آمد.<sup>۱</sup> حمایت ینی‌چریان - به عنوان بخش قدرتمند نظامی دربار عثمانی - از سلیم، او را در موقعیت برتری نسبت به دو برادرش (احمد و قورقود) قرار می‌داد و همین عامل سبب شد تا او پس از رد درخواست

---

۱. خواجه سعدالدین افندی، تاج التواریخ، ج ۲، صص ۱۳۹-۱۹۹؛ صولاق‌زاده، صص ۳۲۵-۳۵۸.

دریافت سنجاقی<sup>۱</sup> در روم ایللی<sup>۲</sup> از سوی بایزید دوم، در سال ۹۱۷ ق به جنگ پدر رفت، اما شکست سختی یافت.<sup>۳</sup> با وجود این شکست، با عصیان ینی چریان، رقبای تخت نشینی کنار زده شدند و بایزید دوم به جبر کناره گرفت و سلیم در سال ۹۱۸ ق بر تخت نشست.<sup>۴</sup> بایزید دوم اندکی بعد، در راه دیمتوقه درگذشت، که البته به جز بیماری و سال خوردگی سلطان برکنار شده، نقش سلیم در مسمومیت و مرگ او در منابع بازتاب یافته است.<sup>۵</sup>

درگیری سلیم با خویشان خود در جهت کنار زدن آنان و تثبیت خود بر کرسی سلطنت عثمانیان، دامنه‌ای گسترده یافت و به کشتار برادران و برادرزادگان انجامید.<sup>۶</sup> این چنین، سلیم به سبب جنگیدن با پدر، دستیابی قهرآمیز به سلطنت، ظن نقش آفرینی در مرگ بایزید دوم، و قتل برادران و برادرزادگان به جرگه سلاطینی افزوده شد که با ناپسندترین شکل کسب تاج و تخت، به قدرت رسید و با بحران بزرگی در مشروعیت حکومتش، دست به گریبان شد. این بحران مشروعیت، با دستاویز قرار دادن مبارزه با شیعیان می‌توانست پوشش داده شود؛ زیرا در این زمان، در جانب شرقی قلمرو عثمانی، حکومت صفویان (۹۰۷-۱۱۳۵ ق) بر سر کار آمده بود که از حیث سیاسی و مذهبی، عثمانیان را به چالش می‌کشید. تخاصم آشکار مذهبی و سیاسی شاه اسماعیل صفوی (حک: ۹۰۷-۹۳۰ ق) با سلیم و نیز شورش‌های علوی و شیعی آناتولی، سبب شد تا با وارد ساختن اتهامات متعدد به صفویان، فتوای الحاد و ارتداد آنان صادر شود<sup>۷</sup> و راه برای خروج سلطان سلیم از بحران مشروعیت سیاسی و مذهبی گشوده گردد. نیز ثبت اخبار رویدادهای مربوط به اقدامات سلطان سلیم اول در چالش با پدر و برادران و حکومت‌های ایران و مصر در راه مشروعیت‌افزایی حکومت سلیم یاووز

۱. اصطلاحی در تقسیمات اداری و سیاسی عثمانی که تا حدودی با «استان» تطبیق می‌کند.

۲. روم ایللی = بخش اروپایی قلمرو عثمانی.

۳. خواجه سعدالدین افندی، همان، ج ۲، صص ۱۴۲-۱۴۳، ۱۵۵-۱۶۲؛ لطفی پاشا، صص ۲۰۲.

۴. لطفی پاشا، صص ۲۰۲-۲۰۳؛ سهی‌یک، ص ۱۵.

۵. قره‌چلبی‌زاده، ص ۳۹۷.

۶. نک. صولاق‌زاده، صص ۳۵۰، ۳۵۳، ۳۵۶-۳۵۸؛ عالی افندی، گ ۲۲۵ ب- ۲۲۸ ب.

۷. برای اطلاع جامع در خصوص کیفیت صدور فتوای الحاد صفویان شیعی مذهب، نک: عبادی، ۳۵-۴۰.

سبب پیدایی ادبیات سلیم‌نامه‌نویسی شد. سلیم‌نامه‌ها در واقع بیان حماسی پیروزی‌های سلیم در نبرد با پدر و برادران در راه کسب سلطنت و نیز نبردهای او با صفویان و ممالیک بودند و گونه‌ای از تاریخ‌نویسی بود که به کسب مشروعیت سلیم، به خصوص در تصاحب تاج و تخت، بیش از اندازه توجه داشته‌اند. اهمیت این بحران مشروعیت و ارتباط آن با شکل تاریخ‌نویسی چندان بود که حتی سلطان سلیمان قانونی، برای اینکه مشروعیتش تحت تأثیر اقدامات پدر بود، هزینه بسیاری صرف حمایت از سلیم‌نامه‌نویسان کرد.<sup>۱</sup>

در دوره سلیم اول و سلیمان باشکوه، مؤلفانی نظیر خواجه سعدالدین افندی، اسحاق چلبی، ادریس بدلیسی به همراه فرزندش محمد دفتردار، شکری بدلیسی، کمال‌پاشازاده، جلال‌زاده مصطفی قوجه‌نشانچی، محیی، سجودی، سعدی بن عبدالمتعال، قاضی‌زاده اردبیلی، شعری، ادایی شیرازی و دیگران به نگارش سلیم‌نامه دست زدند و سبب پدیدار شدن گونه‌ای از تاریخ‌نگاری در دوره عثمانیان شدند؛ هرچند بیشتر این آثار پس از مرگ سلیم اول و با حمایت و توصیه سلیمان قانونی به نگارش درآمدند.<sup>۲</sup> از میان مهم‌ترین سلیم‌نامه‌ها، می‌توان به غزوات سلیم نوشته قاضی‌زاده اردبیلی اشاره کرد که تاکنون مغفول مانده بود و تنها یک نسخه از آن به دست رسیده است.

## ۱-۲. نگاهی به وضع تاریخ‌نویسی عثمانی مقارن نگارش غزوات سلطان سلیم

نفوذ زبان فارسی به آسیای صغیر با ورود ترکان بدان نواحی همراه بود و این ترکان بودند که زبان فارسی را با خود بدانجا برده و همراه با رواج آن، از آن در انجام امور دیوانی و اداری خود یاری گرفتند. زبان فارسی و ایرانی بودن (عجم بودن)، در میان عثمانیان، جایگاه برجسته‌ای داشت و زبان فارسی مورد استفاده در دربار و دیوان، نماینده انتقال فرهنگ ایرانی به آناتولی بود. با وجود این که دوره سلجوقیان روم و اوایل حکومت عثمانی را می‌توان دوره اوج نفوذ زبان فارسی به ادبیات آناتولی‌نشینان قلمداد کرد، اما زبان فارسی کماکان در

۱. نوریلدیز، «تاریخ‌نگاری عثمانی»، ص ۱۳۹.

۲. بابانی، ص ۱۶۱.

ادبیات عثمانی سدهٔ دهم هجری جایگاه ویژه‌ای داشت. حضور شاعران و ادیبان ایرانی که آثار خود را به زبان فارسی پدید می‌آوردند، در تداوم نفوذ زبان فارسی به ادبیات عثمانیان پرتأثیر بود. ضعف ادبیات ترکی و نبود شاعران ترکی که توانایی ایجاد سبک و تحول اساسی در ادبیات ترکی داشته باشند، در کنار حمایت سلاطین عثمانی از چامه‌سرایی فارسی، بر حضور ایرانیان در قلمرو عثمانی مؤثر بود. این حمایت‌ها که از دوران پیش از سلیم وجود داشت،<sup>۱</sup> در دورهٔ این سلطان پررنگ‌تر شد؛ زیرا سلیم یاووز، تواناترین سلطان عثمانی در شعر فارسی بود و دیوانی نیز به زبان فارسی دارد. تعلق خاطر سلطان سلیم به فارسی آنچنان بود که سهی‌بک، در توصیف او راه اغراق پیموده و سلطان سلیم را سلطانی خوانده که به‌شدت زبان فارسی گرایش داشت، چندان‌که یک بیت شعر ترکی ندارد و اشعار ترکی او را ساخته عوام دانسته است.<sup>۲</sup> لطیفی نیز در چامه‌سرایی سلیم یاووز آورده است که به تکلم و معرفت در زبان فارسی، رغبت تمام داشت و ضمن آن که کسی به‌سان او ترکِ ترکی نکرد، در میان شعرای رومی (ترک) آن دوره، کسی جز او دیوان فارسی نداشت.<sup>۳</sup>

تاریخ‌نگاری دورهٔ عثمانی، ضمن آن که در تداوم تاریخ‌نگاری اسلامی شکل گرفت، در طول شش سده، منجر به شکل‌گیری گونه‌ای از تاریخ‌نگاری به نام عثمانیان شد.<sup>۴</sup> نخستین بار در دورهٔ محمد فاتح بود که عثمانیان از عناصر ایرانی برای انتقال تجربهٔ تاریخ‌نگاری به حکومت عثمانی پشتیبانی کردند و نخستین آثار آنان نظیر غزانامهٔ روم به دست شاعری ایرانی و برآمده از شروان به نام کاشفی (د. ۸۶۰ ق) - که به‌شکل منظوم و به زبان فارسی بود - تألیف شد و دیگری خُونکارنامه از مهاجری از طوس به نام معالی

۱. «سلطان مراد [دوم] که شعر به ترکی می‌سرود، هفته‌ای دو روز با شعرا اجتماع می‌کرد» (لطیفی، ۶۰). محمد فاتح نیز که در شاعری «عونی» تخلص می‌کرد، سی تن شاعر درباری داشت (همو، ۶۳). بایزید دوم نیز که تخلصش در شعر «عدلی» بود حامی شاعران بود (همانجا؛ نک. ریاحی، ۱۶۳-۱۶۴).

۲. سهی‌بک، ص ۱۶.

۳. لطیفی، ۶۸-۶۹.

۴. ایشیرلی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۱.

(د. ۸۸۰ ق) بود که به سلطان محمد فاتح تقدیم شد.<sup>۱</sup> در این دوره که نگارش آثاری در باب نبردهای سلطان رونق یافته بود، مناقب‌نامه‌نویسی نیز رواج یافت که در سطحی پایین‌تر از شهنامه‌سرایی و شاهنامه‌نویسی قرار داشت و زمینه را برای ایجاد عصری نو در تاریخ‌نگاری عثمانی فراهم ساخت.<sup>۲</sup> تاریخ‌نگاری در میان عثمانیان، از اوایل سده ۱۰ ق پدید آمد و این، تا حدی ناشی از خودآگاهی سیاسی جدید در حال ظهور عثمانیان بود که خود را با ادعاهای سیاسی رقبایشان در شرق مواجه می‌دیدند.<sup>۳</sup> تاریخ‌نگاری دوره بایزید دوم، جایگاه ویژه‌ای را در تاریخ‌نگاری عثمانی به خود اختصاص داده است و تاریخ‌نگاران صاحب‌نامی مانند عاشق‌پاشازاده، محمد نشری، کمال پاشازاده و ادریس بدلیسی، مورخین این دربار بودند و این دوره، به لحاظ رشد و پیشرفت تاریخ‌نگاری فارسی و ترکی، نقطه عطفی بود. عثمانیان، تاروی کار آمدن بایزید دوم، این نکته را دریافته بودند که حکومتشان بی‌بهره از سنت تاریخ‌نگاری دودمانی مفصل و جامعی است و تا آن زمان، تواریخ عثمانی به صورت تاریخ‌های عمومی بود که تنها تکرار تاریخ عثمانی بدان زده می‌شد و گزارش‌های آن، محدود به چند لشکرکشی مهم بود. تحول مهم این دوره یعنی پایه‌گذاری سنت تاریخ‌نگاری دودمانی مفصل و جامع به صورت وقایع‌نامه‌های سلسله‌ای به زبان ساده و در حد فهم عوام و در ادامه، تبدیل این سنت تاریخ‌نگاری ساده‌نویسانه به تواریخی با نثر منشیانه و پیچیده ترکی و فارسی که مخاطبان آن، خواص بودند، روند تاریخ‌نگاری عثمانی را به سوی پیشرفت رهنمون ساخت.<sup>۴</sup> در این دوره، تاریخ‌نگاری عثمانی با پشتوانه صدوپنجاه ساله، با تشویق سلطان بایزید دوم و وزیرش مؤیدزاده، رو به پیشرفت نهاد و آثاری همچون هشت‌بهشت بدلیسی، به فارسی و تواریخ آل عثمان کمال پاشازاده، به ترکی

۱. اینالچق، ص ۶۷؛ نوریلدیز، «تاریخ‌نگاری عثمانی»، صص ۱۲۸-۱۳۰.

۲. ایپشیرلی، ص ۱۰۳؛ اینالچق، صص ۶۷-۶۸.

۳. نوریلدیز، «نخبگان ایرانی در خدمت سلطان عثمانی: تاریخ‌نویسی فارسی در دوره عثمانی (سده‌های دهم و یازدهم)»، ص ۲۲۳.

۴. همو، ص ۲۲۹.

نگارش یافت که آغازگر فصل نوینی در تاریخ‌نگاری عثمانی بود. در دوره سلیم اول، این توسعه تاریخ‌نگاری ادامه یافت و در این دوره، آثاری به نام سلیم‌نامه نگاشته شد<sup>۱</sup> که در واقع بیان حماسی پیروزی‌های سلیم در نبرد با پدر و برادران در راه کسب سلطنت و نیز نبردهای او با صفویان و ممالیک بود.<sup>۲</sup> گرچه شمار زیادی از سلیم‌نامه‌ها در دوره سلیمان قانونی تألیف شد و تألیف شمار اندکی به دوره سلیم اول مربوط می‌شود، اما همین سلیم‌نامه‌نویسی، امتیاز دوره سلیم اول نسبت به دوره پدرش به شمار می‌آید.

تاریخ‌نویسی به فارسی در دوره سلیم اول و سلیمان قانونی مورد توجه بود. تحولات مضمونی و سبکی در نوشته‌های تاریخی عثمانی به زبان فارسی، عیناً در تواریخ ترکی نفوذ و بروز یافت و تألیفات فارسی - با اینکه شمارشان در کنار آثار پرشمار ترکی ناچیز می‌نماید - جایگاهی ممتاز یافته بود.<sup>۳</sup> با وجود این، تا اواخر سده ۱۰ ق تغییرات عمده‌ای در جهت‌گیری‌های فرهنگی دربار عثمانی ظهور یافت؛ چنان که ناگهان از اشتیاق به زبان فارسی فروکاسته شد و زبان ترکی، زبان غالب گردید.<sup>۴</sup> بنابراین، تاریخ‌نگاری عثمانی - که در دوره سلیم اول و سلیمان قانونی به اوج شکوفایی رسید - آمیزه‌ای از سبک تاریخ‌نگاری ایرانی - اسلامی با عناصر حماسی و روایت‌های ترکی بود.<sup>۵</sup> تاریخ‌نگاران ایرانی نیز در دربار عثمانی به نگارش آثار متعددی دست زده‌اند و به اشکال ثبت رویدادهای حکومت عثمانی و ارائه الگویی برای تاریخ‌نویسان عثمانی و مشروعیت‌بخشی با ارائه گزارش‌های جهت‌دار، بزرگنمایی، مدح و عنوان‌سازی برای سلاطین، به نقش‌آفرینی در این دربار پرداخته‌اند. به

۱. مؤلفانی نظیر اسحاق چلبی، ادریس بدلیسی، شکری بدلیسی، کمال‌پاشا زاده، جلال‌زاده مصطفی قوجه نشانچی، محیی، سجودی، سعدی بن عبدالمتعال، قاضی‌زاده اردبیلی، شعری، ادایی شیرازی و دیگران به نگارش سلیم‌نامه دست زده‌اند.

۲. اوزجان، ص ۱۷۲.

۳. نوریلدیز، «نخبگان ایرانی در خدمت سلطان عثمانی: تاریخ‌نویسی فارسی در دوره عثمانی (سده‌های دهم و یازدهم)»، ص ۲۲۳.

۴. همو، «تاریخ‌نگاری عثمانی»، صص ۱۴۴-۱۴۵.

۵. همو، «تاریخ‌نگاری عثمانی»، ص ۱۲۵.

طور کلی، تواریخ فارسی در تاریخ‌نگاری عثمانیان عصر متقدم، جایگاه مهمی کسب کرده بودند و با وجود این که در مقابل تاریخ‌نویسی ترکی در اقلیت قرار داشتند، اما حدود یک‌ششم از آثار عثمانیان از آغاز قرن ۹ ق تا پایان سده دهم هجری به زبان فارسی پدید آمده است. این آثار عمدتاً از سوی مهاجران ایرانی نوشته شده که تحت حمایت دربار عثمانی بودند و در انتقال سنت‌های ادبی و نیز گنجینه‌های ارزشمندی از داده‌های دست اول از ایران به عثمانی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده‌اند.<sup>۱</sup> یکی از این مهاجران، قاضی‌زاده اردبیلی است که علاوه بر ترجمه فارسی و فیات‌الاعیان ابن خلکان به دستور سلطان سلیم، غزوات سلطان سلیم را به فارسی نگاشته است که می‌تواند در فن نگارش فارسی به هشت‌بهشت ادریس بدلیسی، پهلوزند.

### ۱-۳. قاضی‌زاده اردبیلی

در سده ۱۰ ق، با برآمدن صفویان شیعه‌مذهب در مجاورت حکومت عثمانی که بر اسلام سنی تأکید می‌کرد، برخورد نظامی میان این دو حکومت پیش‌بینی‌شدنی بود. برخوردی که در سال ۹۲۰ ق در چالدران به وقوع پیوست و نتایج متعددی برای دو حکومت در بر داشت.<sup>۲</sup> در کنار برآوردها و پیامدهای متعددی که نبرد چالدران برای دو حکومت عثمانی و صفوی داشت، کوچ اجباری و اسارت نخبگان ایرانی حاضر در تبریز یکی از نتایجی بود که در تقویت ابعاد مختلف فرهنگی، هنری و تاریخ‌نویسی حکومت عثمانی تأثیرگذار بود.<sup>۳</sup> یکی از این اسیران، قاضی‌زاده اردبیلی بود. ظهیرالدین کبیر بن اویس، از ایرانیان اسیر در قلمرو عثمانی بود که به سبب قاضی‌بودن پدرش، شیخ کبیر، به قاضی‌زاده شهره شده است.<sup>۴</sup> او از جمله کسانی است که نامش گاه با نام جدش محمد اللطیفی و گاه

۱. نوریلدیز، «تاریخ‌نگاری عثمانی»، ص ۱۲۳.

۲. نک. بابانی، صص ۲۳۵-۲۴۱.

۳. همو، ص ۲۴۰.

۴. طاشکپری‌زاده، ج ۱، ص ۲۷۱؛ ریاحی، ص ۱۷۲؛ تربیت، ص ۲۴۹.

با نام فرزندش محمد بن قاضی زاده درآمیخته، چندان که سبب اشتباه مؤلفان و پیچیده شدن تشخیص نقش های ایفایی او شده است. از میان نام هایی که به او نسبت داده شده است، می توان به این اسامی اشاره کرد: اظهرالدین کبیر بن اویس بن محمد اللطیفی،<sup>۱</sup> ظهیرالدین اردبیلی،<sup>۲</sup> ظهیر کبیر<sup>۳</sup> و شمس الدین محمد لطیفی مشهور به قاضی زاده اردبیلی.<sup>۴</sup> حاجی خلیفه در برشمردن ترجمه های وفیات الاعیان ابن خلکان، قاضی زاده را با نام ظهیرالدین و اظهرالدین، دو نفر تصور کرده، اما افزوده است که «شاید این همان اظهرالدین اردبیلی باشد الله تعالی اعلم».<sup>۵</sup> قاضی زاده در غزوات سلطان سلیم، خود را «بنده فقیر کبیر کثیرالتقصیر الشهیر بقاضی زاده»<sup>۶</sup> و در ترجمه وفیات الاعیان، «الفقیر الی الله الغنی کبیر بن بن اویس اللطیفی عفی الله الشهیر بقاضی زاده»<sup>۷</sup> معرفی کرده است. گزارش های موجود، به اسارت او پس از نبرد چالدران اشاره دارد؛ بنابر این گزارش ها، او دانش اندوخته ایران بود<sup>۸</sup> و هنگامی که سلطان سلیم اول - پس از نبرد چالدران - وارد تبریز شد، قاضی زاده را اسیر کرد و با مقرری روزانه ۸۰ آقچه، به استانبول کوچاند.<sup>۹</sup>

طاشکپری زاده او را «المولی العالم ظهیرالدین الاردبیلی الشهیر بقاضی زاده» خوانده و آورده است: «رحمت خدا بر او باد! در بلاد عجم علم آموزی کرد و هنگامی که سلطان سلیم خان تبریز را گرفت، او را به بلاد روم برد و روزانه ۸۰ آقچه مقرری برای او تعیین کرد. او به همراه وزیر احمد پاشا نائب سلطان عثمانی در مصر در سال ۹۳۰ به قتل رسید. صاحب

۱. حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۲۰۱۸.

۲. عالی افندی، گ ۳۷۳ ب.

۳. میرزا حبیب اصفهانی، ص ۶۲.

۴. حکیم شاه، ص ۳۹۵.

۵. حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۲۰۱۹.

۶. قاضی زاده، غزوات، گ ۱ الف.

۷. همو، ترجمه وفیات الاعیان، گ ۱ ب.

۸. ابن عماد حنبلی، ج ۱۰، ص ۲۴۰؛ طاشکپری زاده، ص ۲۷۱.

۹. عالی افندی، همانجا؛ مستقیم زاده، ص ۳۶۹؛ شانچی، ص ۳۱۱؛ پجوی، ج ۱، ص ۵۰.

محاورة و وقار و هیبه و وجاهت و فصاحه بود. به علوم مختلف به‌ویژه علم انشاء و شعر آشنایی داشت و خط را نیکو می‌نوشت. تاریخ ابن خلکان را به فارسی ترجمه کرد.<sup>۱</sup> حاجی خلیفه کاتب چلبی نیز در کشف الظنون، با تردید در نام او آورده است: «مولا اظهرالدین الاردبیلی وفیات ابن خلکان را به فارسی ترجمه کرده است که در سال ۹۳۰ درگذشت و دیدم رساله فارسی کبیر بن اویس بن محمد اللطیفی شهیر بقاضی‌زاده متوفی ۹۳۰ که در آن ذکر کرده است که سلطان سلیم هنگامی که به تتبع تواریخ، خصوصاً الوفیات ابن خلکان اشتغال داشت، آن را به فارسی ترجمه کرده است. هنگامی که به نیمه رسیده، سلطان سلیم فوت کرده ... شاید این همان اظهرالدین اردبیلی باشد، الله تعالی اعلم». <sup>۲</sup> او در ادامه نیز این دو نفر را به دو شکل اظهرالدین و ظهیرالدین آورده و مجزا پنداشته است.<sup>۳</sup> بغدادی نیز در توصیف او آورده است که «قاضی‌زاده کبیر بن اویس بن محمد اللطیفی اظهرالدین الاردبیلی الشهیر بقاضی‌زاده در مصر سکونت داشت و در سال ۹۳۰ درگذشت. ترجمه فارسی وفیات ابن خلکان از اوست».<sup>۴</sup>

میرزا حبیب اصفهانی در اشاره به هنرمندان کتاب‌آرا از او یاد کرده و چنین آورده است: «قاضی‌زاده ظهیر کبیر، اردبیلی است. سلطان سلیم پس از فتح تبریز او را به همراه شاه قاسم به روم آورد. در انواع قلم استاد بود. تاریخ ابن خلکان را به فارسی ترجمه کرد. در ۹۳۰ وفات یافت. در ادبیات و سایر علوم و فنون بی‌نظیر بود».<sup>۵</sup> در تواریخ سیاسی عثمانی نیز از او به عنوان یکی از هنرمندان خوش‌نویس یاد شده است که از آن میان می‌توان به تاریخ نشانچی و تاریخ پچوی اشاره کرد. نشانچی محمد پاشا (م ۹۷۹ ق)، تاریخ‌نویس عصر سلیمان قانونی، او را چنین توصیف کرده است: «قاضی‌زاده عجم که ملا ظهیرالدین اردبیلی

۱. طاش کبری‌زاده، صص ۲۷۱-۲۷۲.

۲. حاجی خلیفه، ج ۲، صص ۲۰۱۸-۲۰۱۹.

۳. همو، ج ۲، ص ۲۰۱۹.

۴. بغدادی، هدیه العارفین اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، ج ۱، ص ۸۳۷.

۵. میرزا حبیب اصفهانی، صص ۶۲-۶۳.

است، از عجم به اسارت آورده شد. به شعر قادر و در انشا ماهر است. حسن خط نیز دارد. تاریخ ابن خلکان را ترجمه کرد. ۸۰ آقچه علوفه (اوتراق علوفه‌سی) برایش تعیین شد.<sup>۱</sup> ابراهیم پچوی (م ۱۰۶۱ ق) نیز چنین آورده است: «مولانا ظهیرالدین اردبیلی صاحب وقار و فصاحت و صیت و وجاهت، راغب به حسن خط، به همراه سلطان سلیم از تبریز آمد، سپس به همراه خائن احمد پاشا در مصر به قتل رسید».<sup>۲</sup>

در میان تاریخ‌نویسان عثمانی، حکیم‌شاه محمد قزوینی (م ۹۲۹ ق)، پزشک و تاریخ‌نویس ایرانی که در دوره بایزید دوم به قلمرو عثمانی کوچید، مفصل‌ترین شرح را درباره قاضی‌زاده آورده است. او که معاصر قاضی‌زاده اردبیلی بود، در بخش افزوده به ترجمه مجالس النفائس امیرعلیشیرنواپی، از قاضی‌زاده و خاندان او چنین یاد کرده است: «شمس‌الدین محمد لطیفی پسر قاضی شیخ کبیر که مشهور است به قاضی‌زاده اردبیلی و لطیفی که فرزند دل‌بند اوست، سَرّی از اسرار لطایف اوست و در حوادث سن، جامع اخلاق حمیده و محاسن جمیله و بسی اشعار بی‌نظیر و اطوار دلپذیر داشت و اول حال قصیده‌ای گفته که لفظ سایه و خیمه در هر مصرع لازم داشت و این چند بیت آن است:

|                                        |                                   |
|----------------------------------------|-----------------------------------|
| سحر ز خیمه برون رفت و سایه زد به چمن   | بسان خیم گل سرو سایه‌پرور من      |
| چو خیمه کاکل او سایه‌بان شده بر گل     | ز سایه خیمه زده سنبش به روی سمن   |
| دلا چو سایه مشوزیر خیمه گردون          | بکش ز خیمه گردون سایه‌اش دامن     |
| به زیر سایه دل شو که خیمه‌ای است ز نور | سری چو سایه فرو بر به زیر سایه تن |
| بجوی سایه خیمه که زیر دلق بس است       | برای سایل درویش خیمه پیراهن       |
| مرو به سایه خیمه که از شکوفه باغ       | درخت خیمه شد و سایه کرد بر گلشن   |

و به مقتضای «الموت ینفی خیارکم و یبقی شرارکم» اجل او را از میان مردمان انتخاب نمود و این رباعی از اوست:

۱. نشانی، ص ۳۱۱.

۲. پچوی، ج ۱، ص ۵۰.

سرمست ز جام عافیت جم باشیم      در عالم و بیرون ز دو عالم باشیم  
فارغ ز غم زندگی و محنت خلق      یک چند که زنده ایم بی غم باشیم

و در ایامی که انتقال از دار فنا به دار بقا می نمود، به لسان حال و قال این گفت:

نشد اقبال دوران از سرافرازی هوس ما را      به درویشی سرافرازیم، این اقبال بس ما را

و بعد از چند روز که درویشی اختیار فرمود، وفات نمود.

و جد او قاضی شیخ کبیر است که در زهد و تقوی قرین اویس قرنی است و مدت پنجاه سال است که در اردبیل قاضی ماضی الحکم اردبیل است و با آنکه قاضی است، طیب حاذق آن ملک است و افتا و تدریس آن دیار نیز به او متعلق است و شعر نیز یکی از فضائل اوست و این قصیده در مدح امیری گفته:

زهی امیر فلک رفعت ملک اطوار      زمان احاطت و دریادرون و کوه وقار

اثیر رفعت و کان طینت و زلال اثر      هو الطافت و آتش نهیب و ارض وقار

و پدر لطیفی که قاضی شیخ کبیر است، سلطان صاحبقران سلطان سلیم خان در روز جنگ و انهزام شاه اسماعیل صوفی، او را اسیر فرمود، با آنکه حکم به کشتن همه اسیران فرمود، چون انوار فضل و کمال قاضی زاده از جبین او پیدا بود و آثار سعادت و نجابت در افعال و اقبال او هویدا، لاجرم پادشاه عالم پناه جرم او ببخشید و او را از قید گرفتاری رهانید و به التفات و عنایت خسروانه او را مخصوص گردانید و روز به روز عنایت درباره او زیاده فرمود، به مرتبه ای که چون فتح دیار عرب نمود، ضبط حلب و شام و مصر تمام به او رجوع فرمود و قاضی شیخ کبیر، شیخ کبیر الخیر است و فضایل او زیاده از حدود است و در فن انشا بی همتاست و تاریخ سلطان سلیم خان را نوشته و تاریخ ابن خلکان را نیکو ترجمه فرموده و از جمله اشعار او این است:

آه از دور چرخ مردم خوار      گرگ روبه نمای کج رفتار

بی وفایی چو روزگار به خلق      کینه جویی به زیر ازرق دلخ

بی گنه قصد جان من بنمود      یوسفم را ز من به غصب ربود

و چون اشعار او بسیار است، به این قدر اختصار کرده شد که «القلیل یدل علی الکثیر و البعرة علی البعیر و اثر الاقدام علی المسیر»<sup>۱</sup>

در دو اثر عربی شذرات الذهب فی اخبار من ذهب و الکواکب السائرة بأعیان المنة العاشرة نیز ضمن ذکر اتهام ارتباط قاضی زاده با صفویان، از او چنین یاد شده است: «و در آن [سال ۹۳۰ ق] مولی ظهیرالدین الاردبیلی الحنفی شهیر به قاضی زاده درگذشت. در عجم علم آموزی کرد. هنگامی که سلطان سلیم وارد تبریز شد، برای جنگ با شاه اسماعیل صوفی، او را به بلاد روم برد و روزانه، ۸۰ درهم برای او تعیین کرد».<sup>۲</sup> «امیر محمدبیک از محافظان قلعه بود، علیه احمد پاشا. قاضی زاده، اسیر و سرش، قطع و به باب زویله آویخته شد. این اتهام به احمد پاشا وارد شد که با شاه اسماعیل صفوی در ارتباط بود و سفیر و رابط این دو، قاضی زاده بود، و تاجی یافتند که شعار صوفی بر آن نقش بسته بود و قتل اهل سنت و تصاحب اموال آنان گوشزد شده بود و در پی رواج عقیده اثنی عشری و اظهار در منابر بودند».<sup>۳</sup>

سلیمان سعدالدین افندی، مشهور به مستقیم زاده (م ۱۲۰۲ ق) در اثر مشهور خود، تحفة خطاطین که نگارش آن به سال ۱۱۷۱ ق به پایان رسیده، ضمن جمع بندی مطالب شماری از منابع پیشین خود، آورده است: «کبیر بن اویس بن محمد اللطیفی، از اردبیل است و مشهور به قاضی زاده. لقبش ظهیرالدین در شقایق آمده است. اظهرالدین نیز آورده شده است. در فتح تبریز همراه با شاه قاسم از دست رافضیان، خارج و به دارالسلطنه علیه وارد شدند و بدان ها وظیفه تکریم شد. همراه با خائن احمد پاشا، والی مصر، در زمان سلطان سلیمان قانونی، در اوایل سال ۹۳۱ طعمه شمشیر گردید. در اواخر سال مذکور نیز گفته اند به روایتی نیز زنده ماند. از ادريس بدلیسی تحصیل علوم کرد و حسن خط و تکمیل

۱. حکیم شاه، صص ۳۹۵-۳۹۷.

۲. ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۱۰، ص ۲۴۰.

۳. الغزی، نجم الدین، الکواکب السائرة بأعیان المنة العاشرة، تحقیق جبرائیل سلیمان جبور، بیروت: دار الآفاق الجدید، ۱۹۷۹ م، ج ۱، ص ۱۶۰.

کرد. در نستعلیق به «رتبه کمال» به «درجه اعجاز» رسیده، کاتبی گزیده بود. علاوه بر سایر آثار، تاریخ ابن خلکان را به زبان فارسی، ترجمه و آثار زیادی کتابت کرد».<sup>۱</sup>

#### ۱-۴. کتاب غزوات سلطان سلیم

قاضی زاده اردبیلی، به سبب احترامی که نزد سلیم اول داشت، به عنوان مورخ در لشکرکشی سلیم به مصر حاضر بود، اما در دوره سلیمان قانونی و در سال ۹۳۰ ق با احمد پاشا - نائب السلطنه مصر - دست به شورش زد و کشته شد.<sup>۲</sup> مهم ترین اثر قاضی زاده، کتاب تاریخ او در خصوص تسخیر مصر به دست سلیم اول است که خود از نزدیک شاهد وقایع و مسئول نگارش این رویدادها بوده است. برخلاف ترجمه ناتمام وفيات الاعیان ابن خلکان که در آثار متعددی بازتاب یافته، از کتاب تاریخی قاضی زاده کمتر سخنی به میان آمده است. حکیم شاه محمد قزوینی در توصیف قاضی زاده به اثر تاریخی او با نام تاریخ سلطان سلیم خان اشاره کرده است. قاضی زاده در برگه های نخستین، کتابش را تذکره للملوک و السلاطین الاخیار خوانده است؛<sup>۳</sup> با وجود این، در نخستین صفحه نسخه خطی این کتاب، دو بار با رنگهای سیاه و سرخ، عنوان غزوات سلطان سلیم آورده شده است.

غزوات سلطان سلیم، به شماره ۸۲۵، در کتابخانه حاجی سلیم آغا در استانبول قرار دارد که دارای ۲۳۷ برگ به زبان فارسی و به قلم نسخ است. این اثر که درباره حمله عثمانی به مصر نگاشته شده، تاکنون کمتر شناخته شده بود. قاضی زاده اردبیلی که به روایتی شاگرد ادريس بدلیسی بود،<sup>۴</sup> در نگارش غزوات سلطان سلیم، با نثری مشابه هشت بهشت دست به قلم شده است. اثر قاضی زاده را به سبب آن که مؤلف در لشکر فاتح مصر حضور داشته و وقایع را از نزدیک مشاهده و ثبت کرده است، می توان مهم ترین منبع در باب فتح

۱. مستقیم زاده، صص ۳۶۸-۳۶۹.

۲. پچوی، همانجا: تربیت، صص ۲۴۹-۲۵۰.

۳. قاضی زاده، غزوات، گ ۵ الف.

۴. مستقیم زاده، ص ۳۶۹.

مصر قلمداد کرد و حتی بر بدائع الزهور فی وقائع الدهور ابن ایاس برتری داد. غزوات سلطان سلیم، اخبار عثمانی را از هفتم ربیع الاول سال ۹۲۲ تا بازگشت سلیم به استانبول در پنجم جمادی الاول سال ۹۲۴ در بر می گیرد و احتمالاً پس از بازگشت از مصر در سال ۹۲۵ ق و در شهر استانبول به پایان رسیده است؛ گرچه متن کتاب از ثبت و ضبط گزارش‌ها طی حضور در جریان نبرد و لشکرکشی حکایت دارد. نیز با توجه به اینکه ترجمه و فیات‌الاعیان ابن خلکان که پس از نگارش غزوات سلطان سلیم آغاز شده بود، با مرگ سلیم در سال ۹۲۶ ق ناتمام ماند، می‌توان دریافت که غزوات سلطان سلیم در همان دوره سلیم یاووز نگارش یافته است. از ویژگی‌های این اثر می‌توان به نثر قوی و سرشار از سجع و آرایه‌های ادبی، اشعار فارسی و عربی، احادیث، توصیف‌های بسیار زیبا، به کار بردن امثال عربی و آیات قرآنی، توصیف منازل و شهرهای طول مسیر با جزئیات فراوان، استفاده از اصطلاحات حکومت‌داری، پرداختن مفصل به نبرد مرج دابق و نبردهای متعدد سلیم با طومان‌بای، ذکر نام بسیاری از صاحبان مناصب، امرای نظامی و شخصیت‌های برجسته همراه با معرفی تکمیلی برخی از آنان، و ذکر مناصب ممالیک اشاره کرد که با برخورداری از نثر منشیانه و گاه بسیار ثقیل، پیرو نثرنویسی تاریخ هشت‌بهشت ادریس بدلیسی بوده است.

با توجه به مطالب آغازین اثر دانسته می‌شود که وی درخواست همراهی سلطان در نبرد با ممالیک را داشته،<sup>۱</sup> اما ابتدا با مخالفت سلطان روبه‌رو شده است.<sup>۲</sup> و سرانجام در هنگام لشکرکشی، سلیم او را مأمور ثبت وقایع این لشکرکشی کرده است.<sup>۳</sup> او در این اثر تاریخی، گرچه مقطع کوتاهی از دوره سلیم اول را مورد توجه قرار داده، اما اطلاعات ذی‌قیمتی را به دست می‌دهد. از نکات قابل اعتنا در این باره، این است که وی هدف اولیه سلیم را لشکرکشی به ایران خوانده و آورده است که سلیم پس از طی مسافتی به سوی ممالک عرب تغییر مسیر داده است.<sup>۴</sup> در پایان اثر و پس از فتح مصر، بار دیگر به عزم سلیم برای حمله به

۱. قاضی‌زاده، غزوات، گ ۲ الف.

۲. همان، گ ۲ ب - ۳ الف.

۳. همان، گ ۳ ب - ۵ الف.

۴. همانجا.

ایران سخن رانده که به سبب نامناسب بودن شرایط، به زمان دیگر موکول شده است<sup>۱</sup> و از این حیث تنها منبعی است که به قصد سه‌بارهٔ سلیم در حمله به ایران اشاره کرده است.

## ۱-۵. تشیع و ایران در نگاه قاضی‌زادهٔ اردبیلی

مذهب تسنن و ضدیت با صفویان، دو مورد از ویژگی‌هایی است که در تاریخ عثمانی به‌خصوص در تاریخ عصر سلیم اول برجسته شده و تاریخ‌نگاری عصر سلیم یاووز، از این وضع تأثیر پذیرفته است، اما در اثر قاضی‌زادهٔ اردبیلی که نویسنده به دلخواه سلطان عثمانی، تاریخ‌نویسی کرده، هرگز چنین وضعی یعنی تاختن به تشیع و ایرانیان را مشاهده نمی‌کنیم؛ بلکه برخلاف انتظار از این وضع تاریخ‌نویسی و شرایط سیاسی-فرهنگی، غزوات سلطان سلیم، اثری است که در آن به معیارهای ایرانی (شخصیت‌های ایرانی، نشانه‌های مربوط به ایران، اشاره به تاریخ ایران و...) و مشخصه‌های شیعی (نظیر احادیث و اشعار امام علی(ع) و عدم پرداختن به شخصیت‌های مذهبی اهل تسنن)، نگاهی مثبت شده است.

قاضی‌زاده که در مسیر تاریخ‌نویسی عثمانی حرکت کرده و یکی از سلیم‌نامه‌نویسان عثمانی است، از سوی سلطان ضدشیعی و ضدایرانی عثمانی به امر تاریخ‌نویسی گمارده شد، اما به شکل زیرکانه‌ای گرایش‌های خود را که قطعاً مطلوب سلطان نبوده، در اثر خود بازتاب داده است. این گرایش‌ها، در دو بخش ایران‌دوستی و شیعی‌گری و به اشکال مختلفی در نگارش تاریخ فتح مصر و شام گنجانده شده است. گرایش‌های ایرانی او در نحوه و میزان اشاره به ایران و جغرافیای آن بازتاب یافته، چنان که میزان اشاره او به نام ایران و هم‌خانواده‌های آن (۳۷ مرتبه) نسبت به عثمانی (۱۰ مرتبه شامل همهٔ مشتقات و هم‌خانواده‌ها) حدود چهار برابر را شامل می‌شود. توجه به ایرانیان معاصر قاضی‌زاده که در قلمرو عثمانی حضور داشتند و به تناسب اخبار از آنان سخن به میان آمده نیز در بر دارندهٔ گرایش‌های ایران‌دوستی اوست. قاضی‌زاده در معرفی یا نام‌بردن از ایرانیان، از ترکیبات بلیغ و